

ارزیابی و رتبه‌بندی عوامل تأثیرگذار بر مشارکت شهروندان در فرایند مدیریت شهری

(مطالعه موردی: منطقه ۲ شهرداری تبریز)

دکتر محمدرضا پورمحمدی - استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
علی طورانی* - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
راضیه تیموری - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
اسماعیل احمدی - کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران
امین صفدری - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران

پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۹/۲۶ تأیید مقاله: ۱۳۹۳/۱/۱۶

چکیده

رشد فزاینده ابعاد شهرنشینی و پیچیدگی ماهیت مسائل شهری موجب شده که تأکید و توجه مدیران و برنامه‌ریزان بیش از هر زمان دیگر به سطوح پایین تر و ابعاد ملموس زندگی شهروندان معطوف گردد. از این رو، امروزه مشارکت مردم در فرایند مدیریت شهری به شدت در مرکز توجه قرار گرفته است. در این راستا، پژوهش حاضر در صدد است با روشی توصیفی-تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی به ارزیابی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در فرایند مدیریت شهری منطقه دو شهرداری تبریز بپردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عوامل متعددی بر مشارکت شهروندان در فرایند مدیریت شهری تأثیرگذارند. در این تحقیق ۳۷ مورد در قالب پنج عامل فردی، روحی-روانی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی دسته‌بندی شده‌اند. ارزیابی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که در بین عوامل فردی بیشترین تأثیرگذاری مربوط به داشتن اوقات فراغت است. در بین عوامل روحی-روانی تأثیرگذارترین عامل میزان استرس و فشارهای روحی و روانی است. در بین عوامل اجتماعی، تعلق مکانی، در بین عوامل اقتصادی سودمند بودن فعالیت مشارکتی و در بین عوامل مدیریتی، اعتماد نهادی تأثیرگذارترین موارد است. رتبه‌بندی نهایی عوامل نشان می‌دهد که بیشترین تأثیرگذاری مربوط به عوامل اجتماعی است و عوامل اقتصادی، روحی-روانی، مدیریتی و فردی در رتبه‌های بعدی جای می‌گیرند.

کلیدواژه‌ها: برنامه‌ریزی شهری، تبریز، مدیریت شهری، مشارکت شهروندان.

۱. مقدمه

توسعه شتابان شهرها در چند دهه معاصر ابعاد مختلف زندگی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و محیطی و... بشر را تحت تأثیر قرار داده است (رنه شورت، ۱۳۸۸: ۱). امروزه رشد جمعیت و افزایش مهاجرت به شهرها، منجر به توسعه کنترل‌ناپذیر نواحی شهری، خلق سکونتگاه‌های جدید، کاهش سطح رفاه انسانی و بروز مشکلات فراوان برای مدیران شهری به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه شده است (Ortega, et al., 2011: 2). در واقع «تحولات جمعیت شهری جهان در دو دهه اخیر، چالش‌هایی را برای سیستم مدیریت شهری به‌وجود آورده است که تا قبل از این با این چالش‌ها مواجه نبوده است» (UN Habitat, 2009: xxii). رشد فزاینده ابعاد شهرنشینی و پیچیدگی ماهیت مسائل شهری موجب شده که تأکید و توجه مدیران و برنامه‌ریزان بیش از هر زمان دیگر به سطوح پایین‌تر و ابعاد ملموس زندگی شهروندان معطوف گردد (Friedman, 1993: 43). بر این اساس، امروزه یکی از ارکان اساسی برنامه‌ریزی در دنیای جدید، توجه به مشارکت آگاهانه و فعالانه افراد جامعه در تمامی ابعاد توسعه است (موسوی، ۱۳۸۴: ۶۸). در این باره عواملی که در گسترش ایده مشارکت در مدیریت شهری نقش داشته‌اند عبارت‌اند از:

۱. پیدایش نظام‌های مردم‌سالار و اهمیت یافتن نقش مردم در اداره امور.

۲. درس گرفتن از روندهای توسعه شهری در دهه‌های گذشته.

۳. مطابق نبودن طرح‌های شهری با نیازها و خواست‌های مردم.

۴. توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تضمین منافع شهروندان.

۵. پیچیدگی فزاینده زندگی شهری و اخلاق اجتماعی برنامه‌ریزی (UNVHS, 1996).

از این رو در جوامع پیشرفته، مشارکت مردم در برنامه‌های شهری نهادینه شده و حقوق و تکالیف مدیران شهری و شهروندان مشخص شده است. مشارکت در این کشورها از مرحله طراحی برنامه‌ها و الگوهای علمی اجرایی تا ارائه، تأیید و تصویب، اجرا و نظارت ادامه دارد. الگوهای برنامه‌ریزی مشارکتی، اعتماد شهروندان به نتایج را افزایش می‌دهد، میزان دقت، حساسیت و ابعاد آن را روشن و مشارکت واقعی و هدف‌مند آنان را تضمین می‌کند. در این فرایند، مشارکت نه تنها هزینه محسوب نمی‌شود، بلکه به ارتقای کیفیت زندگی، آرامش و آسایش شهروندان منجر می‌شود (موسایی و رضوی‌الهاشم، ۱۳۸۹: ۱۲۴). در این رویکرد نگاه مدیران و برنامه‌ریزان از پایین به بالا، مبتنی بر توانمندسازی افراد و متکی بر سرمایه‌های انسانی و اجتماعی شهروندان است (حاجی‌پور، ۱۳۸۵: ۳۸).

در سالیان اخیر در ایران توجه به اجتماعات محلی و برنامه‌ریزی مشارکتی در مدیریت شهری جایگاه ویژه‌ای یافته است و مشارکت شهروندان در امور شهری به یکی از دغدغه‌های اساسی مدیران شهری مبدل شده و همواره در محافل علمی، سیاسی و اجرایی کشور بر آن تأکید شده است (عباس‌زاده، ۱۳۸۷: ۴۴). همچنین، شایان ذکر است که تشکیل شوراهای و شورایی‌های محله‌ای در کشور ما در همین راستا و به منظور تجدید ساختار در مدیریت شهری و شکل‌گیری ساختار مدیریت مشارکتی بوده است (توکلی‌نیا و استادی‌سیسی، ۱۳۸۸: ۳۰). با وجود شکل‌گیری اندیشه مشارکت در مدیریت شهری و انجام چنین اقداماتی، مشارکت آگاهانه و فراگیر در سطح محلات هنوز به صورت عملی دیده نمی‌شود (محسنی‌تبریزی، ۱۳۷۵: ۵۴). از همین رو، پژوهش حاضر با هدف ارزیابی و رتبه‌بندی عوامل تأثیرگذار بر مشارکت شهروندان در فرایند مدیریت شهری تدوین شده و بر این مبنای منطقه ۲ شهرداری تبریز مطالعه شده است.

۲. مبانی نظری

مشارکت معادل اصطلاح انگلیسی Participation است. این کلمه از ریشه Part به معنی قسمت، جزء و بخش گرفته شده و از ریشه لاتین Participatia به معنای با خود داشتن، در نفس خود چیزی از غیر داشتن و سهمی در چیزی غیر از خود داشتن اخذ شده است و به معنی سهیم شدن در چیزی یا گرفتن قسمتی از آن است (یزدان پناه، ۱۳۸۶: ۱۰۶). مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را بر می‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند. در این تعریف سه جزء مهم ملاحظه می‌شود:

۱. درگیری ذهنی و عاطفی. در مرتبه نخست، مشارکت به معنی درگیری ذهنی و عاطفی بوده و تنها به کوشش‌های

بدنی محدود نمی‌شود.

۲. انگیزش برای یاری دادن. شخص در مشارکت این فرصت را می‌یابد که از قابلیت‌ها، ابتکارات و آفرینندگی خود

برای دستیابی به هدف‌های گروهی استفاده کند. از این‌رو، مشارکت با موافقت فرق دارد. مشارکت چیزی بیش از گرفتن موافقت از یک جمع برای تصمیم از پیش گرفته شده است.

۳. پذیرش مسئولیت. مشارکت، اشخاص را برمی‌انگیزد تا در کوشش‌های گروه خود مسئولیت بپذیرند. در واقع،

مشارکت هنگامی تحقق می‌یابد که بی‌تفاوتی و بی‌مسئولیتی جای خود را به احساس وابستگی، سرنوشت و مسئولیت مشترک بدهد (شریف‌زاده و صدقی، ۱۳۸۸: ۵۰).

در بررسی دیدگاه‌ها و نظریه‌های مشارکت دو رویکرد عمده را می‌توان تشخیص داد؛ نگرش خرد و نگرش کلان. در سطح خرد، بر انگیزه و گرایش و رفتار مشارکت تأکید می‌شود و در سطح کلان، به زمینه‌ها و شرایط و عناصر ساختاری توجه می‌شود. کنش مشارکتی به دو بخش ذهنی و رفتاری تقسیم شده که بخش ذهنی، تمایلات و گرایش‌های فردی را در بر می‌گیرد و بخش رفتاری، انجام فعالیت‌های داوطلبانه جمعی را مد نظر دارد. ماکس وبر بر نظام باورها، گرایش‌ها و تأثیرات آن بر مشارکت متمرکز است. هومنز رفتارها را نتیجه محاسبه سود و زیان تلقی کرده است. رفتار مشارکتی زمانی نهادینه می‌شود که منافع حاصل از آن بر هزینه‌ها فزونی داشته باشد (موسایی و رضوی‌الهاسم، ۱۳۸۹: ۱۲۴).

در سالیان اخیر تغییر در بنیان‌های نظری در برنامه‌ریزی باعث شده است که مقوله مشارکت از اهمیت فراوان

برخوردار گردد. در این ارتباط برنامه‌ریزی تعاملی یکی از جدیدترین رویکردهای برنامه‌ریزی است که بر مبنای نگرش سیستمی استوار است و بر سه اصل مشارکت، مداومت و کل‌نگری تأکید می‌کند. برنامه‌ریزی مبتنی بر رویکرد تعاملی بر

این باور است که مشارکت افراد باعث تحقق واقعی مفهوم توسعه و توانمندی افراد می‌گردد (ایکاف، ۱۳۷۵: ۷۷). به‌ویژه

در جوامعی که تعداد افراد آسیب‌پذیر آنها زیاد است، مشارکت در امور شهری باعث افزایش عزت نفس، افزایش تعاملات اجتماعی و افزایش تجربه و مهارت مشارکت‌کنندگان می‌گردد (Saunders, Brown, and Eardely: 2003). به اعتقاد

صاحب‌نظران، مشارکت موجب افزایش شایستگی و کرامت در افراد می‌گردد. از این‌رو مشارکت عنصر حیاتی در فرایند

توسعه پایدار تلقی گردیده و از آن به عنوان حلقه مفقوده فرایند توسعه یاد می‌شود. بر این اساس، مشارکت مردم در روند

تصمیم‌گیری شهری یکی از عناصر اصلی حکومت مردمی است. افزایش مشارکت مردم در امور شهری می‌تواند نقش

ارزنده‌ای در ایجاد تعادل شهری ایفا کند. اگر شهروندان مشارکت در شهر را به منزله مشارکت در سرنوشت خویش بدانند،

در قالب گروه‌های کاری به شکل‌دهی و تقویت خصایصی نظیر خودرهبی و خودمسئولیت‌ورزی مبادرت می‌ورزند و زمینه

را برای تغییر و تحول در جهت تلطیف و پویایی شهری آماده خواهند کرد. بنابراین مدیران شهری می‌توانند با جلب مشارکت مردم بر توانایی‌های مدیریت شهری بیفزایند (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۱). در اینجا نکته بسیار مهم که در تمام برنامه‌های مدیریت شهری باید به آن توجه شود این است که بین وارد شدن شهروندان در مشارکتی تشریفاتی و ساختگی با مشارکتی واقعی که نشانگر قدرت تأثیر مردم در فرایند مدیریت و برنامه‌ریزی است، تفاوت وجود دارد (Arnesterins, 2006: 21). بنابراین مشارکت واقعی در مدیریت شهری یعنی ارتباط متقابل مردم با مدیریت شهر به‌صورتی که بتوانند در شهر تأثیرگذار باشند (زیاری و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۱۶). در سطح یک شهر مشارکت به سه صورت مشارکت شهروندان در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری امور شهر، مشارکت در حفظ و نگهداری شهر و مشارکت در ارتقا و توسعه کمی و کیفی فضاهای عمومی شهری قابل تقسیم‌بندی است (طوسی، ۱۳۷۰: ۵۴).

ضرورت و اهمیت مشارکت شهروندان در مدیریت شهری را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. مشارکت شهروندان منجر به استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود شهر و نیروهای توانمند شهر می‌گردد.
 ۲. این مسئله موجب افزایش شور و شوق مردم برای فعالیت هر چه بیشتر در امور شهری شده و در نتیجه قدرت سازندگی شهروندان و مدیران شهری را تقویت می‌کند.
 ۳. مشارکت در مدیریت شهر باعث افزایش نوآوری و ابتکار می‌گردد. چرا که مردم به‌واسطه قرار گرفتن در بطن امور (فرایند زندگی شهری) خوب می‌دانند که خواسته‌های خود را شناسایی و اولویت‌بندی کنند و راه‌حل‌های پیشنهادی ارائه دهند.
 ۴. به‌واسطه مشارکت مردم در فرایند مدیریت شهری، مدیران بهتر می‌توانند مسائل و نارسایی‌های موجود در شهر را شناخته و در جهت پاسخ به آن اقدام کنند (محسنی، ۱۳۸۳: ۸۵).
 ۵. بسط توانایی شهروندان.
 ۶. تقویت حس تعلق مکانی و اجتماعی شهروندان به شهر و زندگی شهری.
 ۷. تقویت حس اعتماد و همکاری میان شهروندان و نظام مدیریت شهری.
- تقویت سازوکارهای دموکراسی شهری از طریق تحقق وظایف و حقوق شهروندی (نجاتی‌حسینی، ۱۳۸۰: ۴۰).

با توجه به اهمیت و ضرورت مقوله مشارکت در فرایند مدیریت شهری در سالیان اخیر تحقیقات زیادی به عمل آمده است که در ذیل به چند نمونه از آن اشاره می‌گردد:

ربانی و همکاران (۱۳۸۶) در تحقیقی با هدف بررسی تأثیر رفاه اقتصادی و اجتماعی بر مشارکت شهروندان در امور شهری، شهر اصفهان را مطالعه کرده‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بین مشارکت شهروندان در امور شهری و رفاه اقتصادی و اجتماعی رابطه معنادار خطی برقرار است. هر چه بیشتر مدیران شهری بتوانند اعتماد مردم را جلب کرده و بر میزان رضایت ایشان بیفزایند، در این صورت احساس تعلق اجتماعی آنان را به محله مسکونی‌شان افزایش می‌یابد و بر مشارکت‌شان در امور شهری افزوده می‌گردد. نوروزی و بختیاری (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن را در شهر خدابنده مطالعه کرده‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که همبستگی معنادار، در سطح اطمینان ۹۹ درصد، بین متغیرهای مستقل (سن، جنسیت، طبقه اجتماعی، محل سکونت، عام‌گرایی، آینده‌نگری، بیگانگی اجتماعی - سیاسی، اعتماد، ساختار خانواده، تعلیم‌وتربیت، رسانه‌های گروهی، تقدیرگرایی) با متغیر وابسته (مشارکت

اجتماعی - سیاسی) وجود دارد. شریف‌زاده و صدقی (۱۳۸۸)، عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر را بررسی کرده‌اند. عوامل مورد نظر در این تحقیق عبارت‌اند از: سودآور بودن فعالیت مشارکتی، اوقات فراغت، اعتماد اجتماعی مردم به یکدیگر، اطلاع‌رسانی و پاسخ‌گویی مدیران شهری. نتیجه تحقیق این است که اگر مدیریت شهری بتواند از یک طرف فرهنگ مشارکت عمومی را گسترش دهد و از طرف دیگر در ساختار مدیریتی خود مدیریت مشارکتی را اعمال کند، بهتر می‌تواند به نتایج لازم از اهداف و برنامه‌های خود برسد.

تقوایی و همکاران (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای با عنوان تحلیلی بر سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، منطقه ۴ شهرداری تبریز را مطالعه کرده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که هر چه میزان رضایتمندی افراد از خدمات‌رسانی مدیران شهری و احساس مالکیت بیشتر باشد، به همان میزان تمایل به مشارکت در مدیریت شهری افزایش می‌یابد. همچنین وضعیت اقتصادی و اجتماعی شهروندان بر مشارکت تعیین‌کننده است. به طوری که با بهتر شدن وضعیت اقتصادی و اجتماعی میزان مشارکت هم بیشتر می‌شود. خراسانی و همکاران (۱۳۹۱) نیز در تحقیقی در شهر مرودشت استان فارس میزان مشارکت اجتماعی شهروندان و عوامل مؤثر بر آن را بررسی کرده‌اند. این پژوهش با استفاده از روش‌های آماری تحلیل واریانس، آزمون ضریب هم‌بستگی و رگرسیون به نتایج ذیل رسیده است: متغیرهای سن، جنس، تحصیلات، شغل، درآمد، احساس تعلق شهری، دارا بودن قدرت سیاسی، بیگانگی سیاسی، رضایتمندی از عملکرد مسئولان شهری، احقاق حقوق شهروندی و استفاده از رسانه‌های جمعی با متغیر وابسته مشارکت اجتماعی رابطه معناداری داشته‌اند. در نهایت، از بین متغیرهای مستقل، متغیر درآمد در تغییرات مشارکت بیشتر مؤثر بوده است و به ترتیب، دارا بودن قدرت سیاسی، بیگانگی سیاسی، احساس تعلق شهری و استفاده از رسانه‌های گروهی در مشارکت تأثیرگذار بوده‌اند.

از نظر مارشال (۲۰۰۴) در سوق‌دهی مردم به سوی مشارکت اعتمادسازی دوطرفه بین مردم و مسئولان نقش اساسی دارد. موتر نیز در تحقیقات جامعه‌شناختی خود در زمینه مشارکت شهروندان در امور بر نقش اعتماد تأکید کرده و آن را حیاتی خوانده است. همچنین از نظر اسمیت (۲۰۰۶) و لی (۲۰۰۶) برای افزایش مشارکت شهروندان در امور مختلف، وجود اعتماد نهادی الزامی است. ریبوری (۲۰۰۵) در تحقیق خود نشان می‌دهد که رفاه اجتماعی نظیر تأمین مایحتاج اولیه (تغذیه، پوشاک، مسکن و ...)، مناسب بودن منطقه مسکونی و وضعیت فعالیت شهروندان بر میزان مشارکت ایشان تأثیرگذار است. همچنین هاوارد (۲۰۰۷) و ایکستروم (۲۰۰۷) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده‌اند که بین سلامت جسمی و رضایتمندی بهداشتی با مشارکت رابطه معناداری وجود دارد.

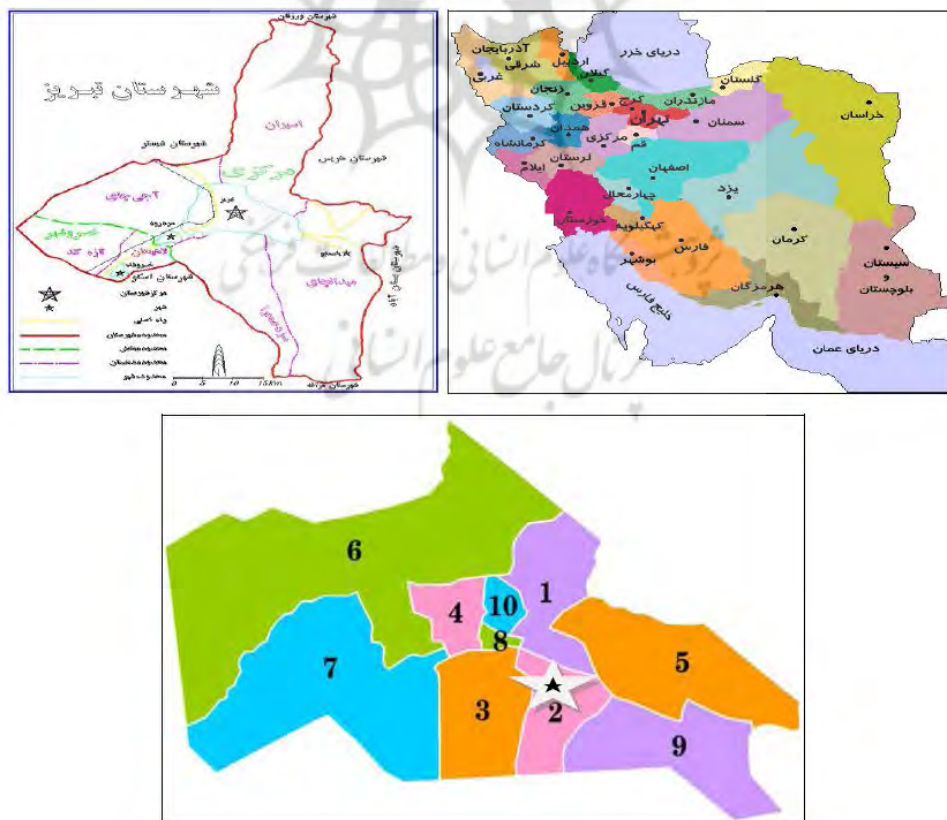
۳. روش تحقیق

ماهیت پژوهش حاضر از نوع هدف، کاربردی بوده و روش تحقیق آن توصیفی و تحلیلی است. روش‌های جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق به دو شیوه مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی است. در مطالعات کتابخانه‌ای به مبانی نظری مربوط، تجارب ملی و جهانی مراجعه شده و در مطالعات میدانی از ابزارهای مصاحبه و پرسش‌نامه استفاده شده است. محدوده مطالعاتی این پژوهش منطقه ۲ شهرداری تبریز است. با توجه به جمعیت زیاد ساکن در این منطقه، نمونه‌گیری انجام گرفته است. حجم نمونه تحقیق از طریق فرمول کوکران محاسبه گردیده و مجموع نمونه‌ها ۳۰۰ نفر انتخاب شده است. نمونه‌های انتخابی از بین افراد بالای ۱۸ سال برگزیده شده‌اند. سؤالاتی که در قالب پرسش‌نامه آورده شده است، به دو

دسته تقسیم می‌گردند؛ دسته اول مربوط به مشخصات فردی و اطلاعات توصیفی و دسته دوم مربوط به عوامل تأثیرگذار بر مشارکت شهروندان در فرایند مدیریت شهری است؛ تمامی سؤالات به صورت طیف لیکرت (پنج‌گزینه‌ای) اند. در این پژوهش برای به دست آوردن پایایی پرسش‌نامه‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که ضریب به دست آمده ۰.۸۹۷ است که نشان‌دهنده پایایی بالای پرسش‌نامه است. همچنین برای سنجش روایی پرسش‌نامه نیز از روش منطقی استفاده شده است. این روش در دو بخش انجام شده است: بخش اول تأیید ظاهری پرسش‌نامه (یعنی اینکه پرسش‌نامه حداقل باید دارای روایی ظاهری باشد) و بخش دوم تأیید محتوایی پرسش‌نامه (در این حالت کمیت و کیفیت سؤالات از نظر خبرگان بررسی می‌شود) که در هر دو بخش، پرسش‌نامه به تأیید جمعی از کارشناسان و خبرگان رسیده است. در نهایت، برای تحلیل داده‌های به دست آمده و ارزیابی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری از آزمون T-Test در محیط نرم‌افزار آماری SPSS و نیز برای رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری از مدل Topsis استفاده شده است.

۱.۳. محدوده و قلمرو پژوهش

شهر تبریز، مرکز استان آذربایجان شرقی، بزرگ‌ترین شهر شمال غرب کشور است که بر طبق سرشماری عمومی سال ۱۳۹۰ با جمعیتی بالغ بر ۱۵۰۶۱۸۸ نفر، پنجمین شهر پرجمعیت ایران پس از شهرهای تهران، مشهد، اصفهان و شیراز به‌شمار می‌رود. محدوده تحت مطالعه در این پژوهش منطقه ۲ شهرداری تبریز است.



نقشه ۱. محدوده تحت مطالعه تحقیق

منطقه ۲ شهرداری تبریز یکی از مناطق ده‌گانه شهرداری کلان‌شهر تبریز است. جمعیت این منطقه بر پایه سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، بالغ بر ۲۸۰۲۶۱ نفر برآورد شده است که معادل ۲۰/۸۵ درصد کل جمعیت شهر تبریز است. تراکم ناخالص جمعیت در سطح محدوده به‌طور متوسط برابر با ۹۱/۲۱ نفر در هکتار است.

۴. یافته‌های تحقیق

۱.۴. یافته‌های توصیفی تحقیق

یافته‌های توصیفی تحقیق شامل مشخصات عمومی پاسخ‌دهندگان و سؤالات توصیفی تحقیق است:

❖ جنسیت

از بین پاسخ‌دهندگان ۱۷۷ نفر معادل ۵۹ درصد مرد بوده و ۱۲۳ نفر معادل ۴۱ درصد زن‌اند.

جدول ۱. توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان بر حسب جنسیت

جنس	فراوانی مطلق	درصد فراوانی مطلق
مرد	۱۷۷	۵۹
زن	۱۲۳	۴۱
جمع کل	۳۰۰	۱۰۰

یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

❖ وضعیت تأهل

همچنین از میان پاسخ‌دهندگان ۵۶ نفر (۱۸/۶۷ درصد) مجرد و ۲۴۴ نفر (۸۱/۳۳ درصد) متأهل‌اند.

جدول ۲. توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان بر حسب وضعیت تأهل

وضعیت تأهل	فراوانی مطلق	درصد فراوانی مطلق
مجرد	۵۶	۱۸.۶۷
متأهل	۲۴۴	۸۱.۳۳
جمع کل	۳۰۰	۱۰۰

یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

❖ سن

در این قسمت برای تشریح وضعیت نمونه آماری به لحاظ سنی، سه گروه سنی جوانان (۱۸-۳۴ سال)، میان‌سالان (۳۵-۵۹ سال) و کهن‌سالان (۶۰ سال و بالاتر) تعریف شد. یافته‌های تحقیق در این زمینه نشان می‌دهد که از مجموع پاسخ‌دهندگان ۱۰۴ نفر (۳۴/۶۷ درصد) در گروه جوانان، ۱۴۱ نفر (۴۷ درصد) در گروه میان‌سالان و ۵۵ نفر (۱۸/۳۳ درصد) در گروه کهن‌سالان قرار دارند. همچنین جوان‌ترین فرد پاسخ‌گو ۱۸ سال سن داشته و پیرترین فرد ۷۶ سال سن داشته است. میانگین سن پاسخ‌گویان نیز ۳۹ سال است.

جدول ۳. توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان بر حسب وضعیت سنی

گروه سنی	فراوانی مطلق	درصد فراوانی مطلق	درصد تجمعی
جوانان (۱۸-۳۴)	۱۰۴	۳۴/۶۷	۳۴/۶۷
میان‌سالان (۳۵-۵۹)	۱۴۱	۴۷	۸۱/۶۷
کهن‌سالان (۶۰ و بالاتر)	۵۵	۱۸/۳۳	۱۰۰
جمع کل	۳۰۰	۱۰۰	۱۰۰

یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

❖ تحصیلات

بررسی میزان تحصیلات پاسخ‌دهندگان نشان می‌دهد که ایشان از این نظر در وضعیت نسبتاً مناسبی قرار دارند. به طوری که بیش از نیمی از آنها (۵۱/۶۳ درصد) مدرکی بالاتر از دیپلم دارند. بر اساس یافته‌های تحقیق تنها ۹ نفر (۳ درصد) از پاسخ‌دهندگان بی‌سواد، ۳۲ نفر (۱۰/۶۷ درصد) دارای تحصیلات ابتدایی، ۲۱ نفر (۷ درصد) دارای تحصیلات راهنمایی، ۸۳ نفر (۲۷/۶۷ درصد) دارای مدرک دیپلم، ۳۴ نفر (۱۱/۳۳ درصد) دارای مدرک فوق دیپلم، ۹۸ نفر (۳۲/۶۷ درصد) دارای مدرک لیسانس و ۲۳ نفر (۷/۷۶ درصد) دارای مدرک فوق لیسانس یا بالاترند.

جدول ۴. توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان بر حسب تحصیلات

تحصیلات	فراوانی مطلق	درصد فراوانی مطلق	درصد تجمعی
بی‌سواد	۹	۳	۳
ابتدایی	۳۲	۱۰/۶۷	۱۳/۶۷
راهنمایی	۲۱	۷	۲۰/۶۷
دیپلم	۸۳	۲۷/۶۷	۴۸/۳۳
فوق دیپلم	۳۴	۱۱/۳۳	۵۹/۶۷
لیسانس	۹۸	۳۲/۶۷	۹۲/۳۳
فوق لیسانس و بالاتر	۲۳	۷/۷۶	۱۰۰
جمع کل	۳۰۰	۱۰۰	۱۰۰

یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

❖ سابقه سکونت

سابقه سکونت در یک محل می‌تواند در تقویت مؤلفه‌های اجتماعی مانند سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، تعلق مکانی، هویت جمعی و... مؤثر باشد. بر این اساس، درباره سابقه سکونت در هر یک از نمونه‌های آماری پرسش شده است. یافته‌های این بخش حاکی از آن است که ۳۵ نفر (۱۱/۶۷ درصد) از پاسخ‌دهندگان دارای سابقه سکونت ۱ سال یا کم‌ترند؛ همچنین ۸۷ نفر (۲۹ درصد) دارای سابقه بین ۱ تا ۵ سال، ۱۰۱ نفر (۳۳/۶۷ درصد) دارای سابقه بین ۵ تا ۱۰ سال، ۴۹ نفر (۱۶/۳۳ درصد) دارای سابقه‌ای بین ۱۰ تا ۲۰ سال و ۲۸ نفر (۹/۳۳ درصد) دارای سابقه سکونت بیش از ۲۰ سال در محدوده تحت مطالعه‌اند.

جدول ۵. توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان بر حسب سابقه سکونت در محل

میانگین	درصد فراوانی تجمعی	درصد فراوانی مطلق	فراوانی مطلق	سابقه سکونت
سال ۹	۱۱/۶۷	۱۱/۶۷	۳۵	۱ سال و کمتر
	۴۰/۶۷	۲۹	۸۷	۱ تا ۵ سال
	۷۴/۳۳	۳۳/۶۷	۱۰۱	۵ تا ۱۰ سال
	۹۰/۶۷	۱۶/۳۳	۴۹	۱۰ تا ۲۰ سال
	۱۰۰	۹/۳۳	۲۸	بیش از ۲۰ سال
	۱۰۰	۱۰۰	۳۰۰	جمع

یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

❖ وضعیت فعالیت پاسخ‌دهندگان

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که از مجموع پاسخ‌دهندگان، ۱۵۴ نفر (۵۱/۳۳ درصد) شاغل، ۲۱ نفر (۷ درصد) بیکار، ۲۷ نفر (۹ درصد) محصل، ۶۷ نفر (۲۲/۳۳ درصد) خانه‌دار و ۳۱ نفر (۱۰/۳۳ درصد) دارای درآمد بدون کارند.

جدول ۶. توزیع فراوانی وضعیت فعالیت پاسخ‌گویان به لحاظ فعالیت

وضعیت فعالیت	فراوانی مطلق	درصد فراوانی مطلق	درصد فراوانی تجمعی
شاغل	۱۵۴	۵۱/۳۳	۵۱/۳۳
بیکار	۲۱	۷	۵۸/۳۳
محصل	۲۷	۹	۶۷/۳۳
خانه‌دار	۶۷	۲۲/۳۳	۸۹/۶۷
درآمد بدون کار	۳۱	۱۰/۳۳	۱۰۰
جمع کل	۳۰۰	۱۰۰	۱۰۰

یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

❖ سابقه مشارکت در فرایند مدیریت شهری

یافته‌های توصیفی تحقیق نشان می‌دهد که همه پاسخ‌دهندگان به نوعی سابقه مشارکت در فرایند مدیریت شهری داشته‌اند. بر این اساس ۴۹ نفر (۱۶/۳۳ درصد) میزان این مشارکت را خیلی کم، ۶۷ نفر (۲۲/۳۳ درصد) کم، ۸۹ نفر (۲۹/۶۷ درصد) متوسط، ۶۱ نفر (۲۰/۳۳ درصد) زیاد و ۳۴ نفر (۱۱/۳۳ درصد) خیلی زیاد توصیف کرده‌اند.

جدول ۷. میزان مشارکت در فرایند مدیریت شهری

مشارکت در مدیریت شهری	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
خیلی کم	۴۹	۱۶/۳۳	۱۶/۳۳
کم	۶۷	۲۲/۳۳	۳۸/۶۷
متوسط	۸۹	۲۹/۶۷	۶۸/۳۳
زیاد	۶۱	۲۰/۳۳	۸۸/۶۷
خیلی زیاد	۳۴	۱۱/۳۳	۱۰۰
جمع کل	۳۰۰	۱۰۰	۱۰۰

یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

۲.۴. ارزیابی عوامل تأثیرگذار بر مشارکت شهروندان در فرایند مدیریت شهری

در این قسمت، ابتدا با استفاده از مبانی نظری مربوط، عوامل و شاخص‌های مؤثر بر مشارکت شهروندان استخراج شد، سپس از پاسخ‌گویان خواسته شد تا شاخص‌های استخراج‌شده را که در قالب عوامل پنج‌گانه فردی، روحی- روانی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی گنجانده شده‌اند، ارزیابی کنند. بر اساس یافته‌های این بخش از نظر پاسخ‌دهندگان، در بین ۶ شاخصی که گویای عوامل فردی مؤثر بر مشارکت شهروندان در فرایند مدیریت شهری‌اند، اوقات فراغت، با امتیاز ۴.۱۳ تأثیرگذارترین شاخص است. بدین معنا که شهروندانی که اوقات فراغت بیشتری دارند، بیشتر می‌توانند در فرایند مدیریت شهری سهیم باشند. مصاحبه‌های انجام‌گرفته با شهروندان نیز گویای همین مطلب است، ایشان تأکید داشتند مشغله‌ها و دغدغه‌های زندگی روزمره مجال چندانی برای مشارکت در فرایند مدیریت شهری باقی نمی‌گذارند. نتیجه این قسمت از تحقیق مؤید یافته‌های شریف‌زاده و صدقی (۱۳۸۸) است. از دیگر شاخص‌هایی که در بین عوامل فردی از امتیاز بالایی برخوردار شد، شاخص سلامت جسمی است که با امتیاز ۴ رتبه دوم را در بین عوامل فردی به دست آورد. این نشان‌دهنده اهمیت این شاخص و تأییدکننده تحقیقات هاوارد (۲۰۰۷) و ایکستروم (۲۰۰۷) است. از دیگر شاخص‌های تأثیرگذار در این زمینه می‌توان به میزان تحصیلات با امتیاز ۳.۳۷ اشاره کرد که این مورد نیز تأییدکننده تحقیق خراسانی و همکاران (۱۳۹۱) است. در نهایت شاخص دیگری که در بین عوامل فردی تأثیر چشمگیری بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری دارد، مدت زمان سکونت در محل است که امتیاز ۳.۶۳ را به دست آورده است. همچنین در بین عوامل فردی، شاخص جنسیت با امتیاز ۲/۲۸ و وضعیت تاهل با امتیاز ۲/۵۳ کمترین تأثیر را دارند که به نوعی ردکننده نظر نوروژی و همکاران (۱۳۸۸)، در زمینه تأثیرگذاری این عوامل در مشارکت شهروندان است.

در بین شاخص‌های مربوط به عوامل روحی- روانی، تأثیرگذارترین شاخص میزان استرس و فشارهای روانی (با امتیاز ۳/۹۱) است، مصاحبه‌های انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد که این شاخص به عنوان عاملی بازدارنده مطرح است؛ یعنی هر چه استرس و فشارهای روحی شهروندان بیشتر باشد، تمایل و میزان مشارکت آنها در فرایند مدیریت شهری کمتر است. شاخص‌های تأثیرگذار دیگر در این بعد به ترتیب روابط عمومی (با امتیاز ۳/۷۷)، امید به آینده (با امتیاز ۳/۷۲)، داشتن روحیه کار جمعی (با امتیاز ۳/۴۷) و احساس خوشبختی (با امتیاز ۳/۴۱) است. در این بین یافته‌های مربوط به امید به آینده به عنوان عاملی تأثیرگذار بر مشارکت شهروندان مؤید یافته‌های نوروژی و همکاران (۱۳۸۸) است.

عاملی بعدی که در این قسمت بررسی و ارزیابی شده است، عامل اجتماعی است. در بین شاخص‌های اجتماعی، تعلق مکانی (با امتیاز ۴/۳)، احساس محرومیت (با امتیاز ۴/۲۳)، عضویت در NGO ها (با امتیاز ۴/۰۳)، احساس شهروندی (با امتیاز ۳/۹۸) و رضایت از محل زندگی (با امتیاز ۳/۸۵) تأثیرگذارترین شاخص‌ها به شمار می‌روند. یافته‌های این بخش در زمینه تعلق مکانی و احساس شهروندی به نوعی مؤید یافته‌های خراسانی و همکاران (۱۳۹۱) است. شاخص‌های دیگری که درباره عوامل اجتماعی، تأثیرگذاری‌شان بر مشارکت در مدیریت شهری تأیید شده است، به ترتیب عبارتند از: داشتن قدرت سیاسی (با امتیاز ۳/۶۲) احساس بیگانگی اجتماعی (با امتیاز ۳/۴۷)، اعتماد اجتماعی (اعتماد مردم به هم) (با امتیاز ۳/۴۲) و در نهایت استفاده از رسانه‌های جمعی (با امتیاز ۳/۳۲).

بررسی‌های انجام‌شده در زمینه عوامل اقتصادی تأثیرگذار بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری نشان می‌دهد که تأثیرگذارترین شاخص، سودآور بودن فعالیت مشارکتی به لحاظ اقتصادی (با امتیاز ۴/۳۴) است که به نوعی تأییدکننده نظر هومنز است. هومنز معتقد است رفتارها نتیجه محاسبه سود و زیان‌اند. او اظهار می‌دارد که رفتار مشارکتی زمانی نهادینه می‌شود که منافع حاصل از آن بر هزینه‌ها فزونی داشته باشد. یافته‌های این بخش همچنین مؤید یافته‌های تحقیق شریف‌زاده و صدقی (۱۳۸۸) است. شاخص دیگری که در بین عوامل اقتصادی تأثیر بسزایی دارد، میزان درآمد است که امتیاز ۳/۷۳ را به‌دست آورده است و نتایج تحقیقات ربانی و همکاران (۱۳۸۶)، تقوایی و همکاران (۱۳۸۸) و خراسانی و همکاران (۱۳۹۱) را تأیید کرده است. اما نکته شایان توجهی که در این تحقیق به‌دست آمد، آن است که مهم‌تر و تأثیرگذارتر از شاخص درآمد، ثبات درآمدی است که در ارزیابی به‌عمل آمده امتیاز ۳/۸۱ را به‌دست آورده است. در همین راستا میزان پس‌انداز نیز با امتیاز ۳/۵۳ از دیگر عوامل تأثیرگذار بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری است. میزان پس‌انداز، تابعی از دو عامل درآمد و هزینه‌های زندگی است. در این ارتباط شاخص دیگری که تأثیرگذاری آن بر مشارکت شهروندان ارزیابی شده است، میزان هزینه‌های تأمین مایحتاج اولیه زندگی است که با امتیاز ۳/۷۳ تأثیرگذاری آن تأیید شده است و بدین ترتیب یافته‌های ریبوری (۲۰۰۵) را نیز تأیید کرده است. شاخص تأثیرگذار دیگر در بین عوامل اقتصادی مالک بودن است که امتیاز ۳/۶۳ را به‌دست آورده است. در این زمینه، میزان تأثیرگذاری شاخص ارزش املاک نیز با امتیاز ۳/۷۸ تأیید شده است، این بدان معناست که مالکینی که ارزش املاک آنها بالاتر است، تمایل بیشتری در مشارکت در فرایند مدیریت شهری دارند. یافته‌های این قسمت نیز مؤید یافته‌های تقوایی و همکاران (۱۳۸۸) است و در نهایت در بین عوامل اقتصادی شاخصی که تأثیرگذاری آن با کمترین میزان تأیید شد، رضایت شغلی است که امتیاز ۳/۳۳ به‌دست آورده است.

آخرین موردی که در این بخش ارزیابی شده است، عامل مدیریتی است که با هشت شاخص سنجیده شد. در این زمینه نیز تأثیرگذاری همه موارد تأیید شده است، اما بیشترین تأثیر مربوط به اعتماد نهادی (اعتماد بین مردم و مسئولان) است که امتیاز ۴/۳۱ را دارد و قویاً نظرات مارشال (۲۰۰۴)، اسمیت (۲۰۰۶) و لی (۲۰۰۶) را تأیید می‌کند. شاخص دیگری که در بین عوامل مدیریتی از امتیاز بالایی برخوردار شده است، اجتماع‌محور بودن رویکرد مدیریت شهری (با امتیاز ۴/۱) است که خود از مؤلفه‌های اساسی تحقق حکمروایی خوب شهری به‌شمار می‌رود. شاخص دیگری که در این بخش امتیاز بالایی به‌دست آورده است، میزان رضایت شهروندان از خدمات مدیران شهری (با امتیاز ۳/۹۲) است که مؤید یافته‌های تقوایی و همکاران (۱۳۸۸) است. همچنین شاخص‌های تأثیرگذار دیگر در بعد مدیریتی در زمینه مشارکت شهروندان در فرایند مدیریت شهری به‌ترتیب عبارتند از: برگزاری جلسات بحث و گفت‌وگو از طرف مدیریت شهری (با امتیاز ۳/۸۱)، شفافیت فعالیت‌های مدیریت شهری (با امتیاز ۳/۷۸)، کیفیت اطلاع‌رسانی مدیریت شهری (با امتیاز ۳/۷۱)، پاسخ‌گویی مدیریت شهری (با امتیاز ۳/۵۴) و در نهایت برگزاری کلاس‌های آموزشی از طرف مدیریت شهری (با امتیاز ۳/۵۳).

جدول ۸. ارزیابی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری با آزمون T-Test

میزان	شاخص / ارزیابی	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین امتیازها ^۱	سطح معناداری sig(2-tailed)
فردی	میزان تحصیلات	۹	۳۱	۸۶	۹۹	۷۵	۳/۶۷	۰.۰۰۰
	سن	۳۱	۴۹	۱۰۲	۷۱	۴۷	۳/۱۸	۰.۰۰۰
	جنسیت	۷۶	۱۱۲	۷۲	۳۱	۹	۲/۲۸	۰.۰۰۰
	وضعیت تاهل	۶۱	۸۷	۱۰۲	۳۱	۱۹	۲/۵۳	۰.۰۰۰
	مدت سکونت در محل	۱۷	۴۳	۵۵	۹۸	۸۶	۳/۶۳	۰.۰۰۰
	داشتن اوقات فراغت	۵	۱۴	۳۱	۱۳۶	۱۱۴	۴/۱۳	۰.۰۰۰
	سلامت جسمی	۶	۱۳	۴۵	۱۴۹	۸۷	۴	۰.۰۰۰
روحي - روانی	میزان استرس و فشارهای روانی	۵	۱۹	۶۱	۱۲۷	۸۸	۳/۱۹	۰.۰۰۰
	دارا بودن روحیه کار جمعی	۱۷	۴۲	۹۷	۷۳	۷۱	۳/۴۷	۰.۰۰۰
	روابط عمومی	۱۱	۳۸	۵۲	۱۰۸	۹۱	۳/۷۷	۰.۰۰۰
	امید به آینده	۱۸	۴۰	۴۴	۱۰۳	۹۵	۳/۷۲	۰.۰۰۰
	احساس خوشبختی	۱۲	۳۶	۱۲۶	۶۹	۵۷	۳/۴۱	۰.۰۰۰
اجتماعی	احساس بیگانگی اجتماعی	۲۱	۳۴	۹۲	۸۸	۶۵	۳/۴۷	۰.۰۰۰
	احساس محرومیت	۵	۱۱	۲۲	۱۳۳	۱۲۹	۴/۲۳	۰.۰۰۰
	احساس شهروندی	۷	۱۵	۵۸	۱۱۶	۱۰۴	۳/۹۸	۰.۰۰۰
	تعلق مکانی	۴	۹	۲۶	۱۱۴	۱۴۷	۴/۳	۰.۰۰۰
	اعتماد اجتماعی (اعتماد مردم به هم)	۱۸	۵۲	۸۳	۸۰	۶۷	۳/۴۲	۰.۰۰۰
	رضایت از محل زندگی	۱۰	۳۲	۴۹	۱۱۱	۹۸	۳/۸۵	۰.۰۰۰
	استفاده از رسانه‌های جمعی	۲۵	۴۶	۹۶	۷۲	۶۱	۳/۳۲	۰.۰۰۰
	دارا بودن قدرت سیاسی	۱۶	۳۷	۸۱	۷۷	۸۹	۳/۶۲	۰.۰۰۰
	عضویت در NGO ها	۸	۱۵	۵۳	۱۰۸	۱۱۶	۴/۰۳	۰.۰۰۰

۱. در طیف لیکرت به گزینه خیلی کم امتیاز ۱، کم امتیاز ۲، متوسط امتیاز ۳، زیاد امتیاز ۴ و خیلی زیاد امتیاز ۵ داده می‌شود.

ادامه جدول ۸. ارزیابی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری با آزمون T-Test

میزان	شاخص	ارزیابی	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین امتیازات	سطح معناداری sig(2-tailed)
اقتصادی	میزان درآمد	۱۴	۲۶	۷۴	۹۸	۸۸	۳/۷۳	۰.۰۰۰	
	ثبات درآمد	۱۱	۲۱	۷۹	۹۳	۹۶	۳/۸۱	۰.۰۰۰	
	میزان پس‌انداز	۱۸	۳۹	۹۲	۷۳	۷۸	۳/۵۱	۰.۰۰۰	
	میزان هزینه تأمین مایحتاج اولیه زندگی	۱۶	۳۰	۶۱	۱۰۴	۸۹	۳/۷۳	۰.۰۰۰	
	رضایت شغلی	۲۵	۵۱	۸۶	۷۶	۶۲	۳/۳۳	۰.۰۰۰	
	مالک بودن	۱۷	۲۹	۸۴	۸۸	۸۲	۳/۶۳	۰.۰۰۰	
	ارزش ملک	۱۳	۲۶	۷۲	۹۲	۹۷	۳/۷۸	۰.۰۰۰	
	سودآور بودن اقتصادی فعالیت مشارکتی	۴	۱۲	۲۴	۹۸	۱۶۲	۴/۳۴	۰.۰۰۰	
مدیریتی	کیفیت اطلاع‌رسانی مدیریت شهری	۱۴	۳۲	۷۱	۹۴	۸۹	۳/۷۱	۰.۰۰۰	
	پاسخ‌گویی مدیریت شهری	۱۸	۳۵	۸۳	۹۴	۷۰	۳/۵۴	۰.۰۰۰	
	شفافیت فعالیت‌های مدیریت شهری	۱۳	۲۲	۷۶	۹۷	۹۲	۳/۷۸	۰.۰۰۰	
	اجتماع‌محور بودن مدیریت شهری	۷	۱۲	۳۹	۱۲۶	۱۱۶	۴/۱	۰.۰۰۰	
	برگزاری کلاس‌های آموزشی از طرف مدیریت شهری	۲۲	۳۳	۹۶	۸۸	۷۱	۳/۵۳	۰.۰۰۰	
	برگزاری جلسات بحث و گفت‌وگو از طرف مدیریت شهری	۱۶	۳۲	۵۸	۸۲	۱۱۲	۳/۸۱	۰.۰۰۰	
	اعتماد نهادی (مردم و مسئولان)	۴	۱۰	۳۳	۹۶	۱۵۷	۴/۳۱	۰.۰۰۰	
	میزان رضایت شهروندان از خدمات مدیران شهری	۷	۱۹	۵۹	۱۲۱	۹۴	۳/۹۲	۰.۰۰۰	

یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

۳.۴. رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری

در این قسمت با استفاده از مدل Topsis که یکی از مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره است، اقدام به رتبه‌بندی عوامل تأثیرگذار بر مشارکت شهروندان در فرایند مدیریت شهری شده است. در این راستا اولین گام تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری یا ماتریس طبقه‌بندی است که در این قسمت این ماتریس بر مبنای امتیاز شاخص‌های مربوط به هر یک از عوامل، تشکیل شده است (جدول ۹).

جدول ۹. ماتریس طبقه‌بندی شده ساده از امتیاز هر شاخص

مدیریتی (e)	اقتصادی (d)	اجتماعی (c)	روحي - روانی (b)	فردی (a)
۳.۷۱	۳.۷۳	۳.۴۷	۳.۹۱	۳.۶۷
۳.۵۴	۳.۸۱	۴.۲۳	۳.۴۷	۳.۱۸
۳.۷۸	۳.۵۱	۳.۹۸	۳.۷۷	۲.۲۸
۴.۱	۳.۷۳	۴.۳	۳.۷۲	۲.۵۳
۳.۵۴	۳.۳۳	۳.۳۲	۳.۴۱	۳.۶۳
۳.۸۱	۳.۶۳	۳.۸۵	-	۴.۱۳
۴.۳۱	۳.۷۸	۳.۴۲	-	۴
۳.۹۲	۴.۳۴	۳.۶۲	-	-
-	-	۴.۰۳	-	-

یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

مرحله دوم در این قسمت بی‌مقیاس‌سازی ماتریس طبقه‌بندی شده است که در اینجا این امر با روش بی‌مقیاس‌سازی نرم صورت گرفته است. بر اساس این روش، هر یک از مؤلفه‌های ماتریس تصمیم‌گیری بر مجذور مجموع توان دوم

$$n_{ij} = \frac{X_{ij}}{\sqrt{\sum_{k=1}^m X_{ik}^2}}$$

مؤلفه‌های ستون مربوط تقسیم گردید. فرم ریاضی آن بدین صورت است:

جدول ۱۰. ماتریس طبقه‌بندی شده بی‌بعد

E	D	C	B	A
۰.۳۶۱	۰.۳۶۵	۰.۳۰۳	۰.۴۷۹	۰.۴۰۷
۰.۳۴۴	۰.۳۷۳	۰.۳۶۹	۰.۴۲۵	۰.۳۵۳
۰.۳۶۷	۰.۳۴۴	۰.۳۴۸	۰.۴۶۲	۰.۲۵۳
۰.۳۹۸	۰.۳۶۵	۰.۳۷۶	۰.۴۵۶	۰.۲۸
۰.۳۴۴	۰.۳۲۶	۰.۲۹	۰.۴۱۸	۰.۴۰۲
۰.۳۷	۰.۳۵۶	۰.۳۳۶	-	۰.۴۵۸
۰.۴۱۹	۰.۳۷	۰.۲۹۹	-	۰.۴۴۴
۰.۳۸۱	۰.۴۲۵	۰.۳۱۶	-	-
-	-	۰.۳۵۲	-	-

یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

مرحله سوم در این بخش وزن‌دهی به عوامل پنج‌گانه است که این امر بر مبنای نظر ۲۰ کارشناس متخصص در امور شهری به انجام رسیده است. در این راستا از مقایسه دودویی عوامل با کمک نرم‌افزار Expert choice استفاده شده است. نرخ ناسازگاری به دست آمده ۰.۰۳ است که در محدوده قابل قبول ناسازگاری جای می‌گیرد.

جدول ۱۱. ماتریس مقایسه‌ی زوجی عوامل پنج‌گانه مؤثر در مشارکت شهروندان در مدیریت شهری

	A	B	C	D	E	وزن نسبی
A	۱	۱	۰.۲۵	۰.۵	۰.۳۳	۰.۱۲۵
B	۱	۱	۰.۲۵	۰.۵	۰.۵	۰.۱۲۵
C	۴	۴	۱	۳	۲	۰.۳۲۵
D	۲	۲	۰.۳۳	۱	۰.۵	۰.۱۷۵
E	۳	۲	۰.۵	۲	۱	۰.۲۵

یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

مرحله بعد تعیین ماتریس بی‌مقایس شدن وزین است که ضرب ماتریس طبقه‌بندی بی‌مقایس شده در ماتریس اوزان عوامل به دست می‌آید که می‌توان آن را در جدول ۱۲ مشاهده کرد.

جدول ۱۲. ماتریس بی‌مقایس شده وزین

E	D	C	B	A
۰.۰۹	۰.۰۶۴	۰.۰۹۸	۰.۰۶	۰.۰۵۱
۰.۰۸۶	۰.۰۶۵	۰.۱۲	۰.۰۵۳	۰.۰۴۴
۰.۰۹۲	۰.۰۶	۰.۱۱۳	۰.۰۵۸	۰.۰۳۲
۰.۱	۰.۰۶۴	۰.۱۲۲	۰.۰۵۷	۰.۰۳۵
۰.۰۸۶	۰.۰۵۷	۰.۰۹۴	۰.۰۵۲	۰.۰۵
۰.۰۹۳	۰.۰۶۲	۰.۱۰۹	-	۰.۰۵۷
۰.۱۰۵	۰.۰۶۵	۰.۰۹۷	-	۰.۰۵۵
۰.۰۹۵	۰.۰۷۴	۰.۱۰۳	-	-
-	-	۰.۱۱۴	-	-

یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

مرحله بعد در مدل Topsis یافتن جواب‌های ایده‌آل مثبت و منفی برای هر یک از عوامل است که درباره‌ی عامل‌های مورد بررسی در این تحقیق به شرح زیر است:

جدول ۱۳. جواب‌های ایده‌آل مثبت و منفی

	A+	B+	C+	D+	E+
R+	۰/۵۷	۰/۰۶	۰/۱۲۲	۰/۰۷۴	۰/۱۰۵
	A-	B-	C-	D-	E-
R-	۰/۰۳۲	۰/۰۵۳	۰/۰۹۴	۰/۰۵۷	

یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

مرحله بعد یافتن فواصل منفی و مثبت و تعیین فاصله نسبی برای هر گزینه با توجه به روابط زیر است:

$$C_i^* = \frac{S_i^-}{S_i^- + S_i^*} \quad S_i^- = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^-)^2} \quad S_i^* = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^*)^2}$$

در نهایت، رتبه‌بندی بر اساس میزان C_i^* انجام می‌گیرد. میزان فوق بین $0 \leq C_i^* \leq 1$ در نوسان است. در این راستا $C_i^* = 1$ نشان‌دهنده بیشترین رتبه و $C_i^* = 0$ نیز نشان‌دهنده کمترین رتبه است. جدول ۱۴ فواصل مثبت، منفی، فاصله نسبی برای هر گزینه و نهایتاً رتبه‌بندی نهایی را نشان می‌دهد.

جدول ۱۴. رتبه‌بندی نهایی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری

Rank	s*	s-	s+	Factors
۵	۰.۳۷۸۱	۰.۰۴۵۵۸	۰.۰۷۵۹۲	A
۳	۰.۴۲۶۸	۰.۰۱۱۶۲	۰.۰۱۵۵۹	B
۱	۰.۴۹۸۴	۰.۴۷۶۵	۰.۴۷۹۵	C
۲	۰.۴۷۷۹	۰.۲۵۰۹	۰.۲۷۴	D
۴	۰.۴۲۲۱	۰.۰۲۷۱۸	۰.۰۳۷۲۱	E

یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

بر اساس میزان C_i^* به‌دست‌آمده، رتبه‌بندی عوامل پنج‌گانه بدین شرح است: عامل اجتماعی مؤثرترین عامل در مشارکت شهروندان در مدیریت شهری است و پس از آن عوامل اقتصادی، روحی-روانی، مدیریتی و فردی قرار می‌گیرند.

۵. نتیجه‌گیری

در سالیان اخیر تغییر در بنیان‌های نظری در برنامه‌ریزی باعث شده است که مقوله مشارکت از اهمیت فراوان برخوردار گردد. به اعتقاد صاحب‌نظران، مشارکت موجب افزایش شایستگی و کرامت در افراد می‌گردد. از این رو، مشارکت عنصر حیاتی در فرایند توسعه پایدار تلقی گردیده و از آن به عنوان حلقه مفقوده فرایند توسعه یاد می‌شود. بر این اساس، مشارکت مردم در روند تصمیم‌گیری شهری یکی از عناصر اصلی حکومت مردمی است. اگر شهروندان مشارکت در شهر را به‌منزله مشارکت در سرنوشت خویش بدانند، در این صورت آنها در قالب گروه‌های کاری به شکل‌گیری و تقویت خصایص نظیر خودرهبی و خودمسئولیت‌ورزی مبادرت می‌کنند و زمینه را برای تغییر و تحول در جهت تلطیف و پویایی شهری آماده خواهند کرد. بنابراین، مدیران شهری می‌توانند با جلب مشارکت مردم بر توانایی‌های مدیریت شهری بیفزایند.

نکته شایان‌تعمق آن است که عوامل مختلفی بر مشارکت شهروندان در فرایند مدیریت شهری دخیل و تأثیرگذارند. بر اساس مطالعات صورت‌گرفته، در این تحقیق این عوامل در پنج عنوان کلی عوامل فردی، عوامل روحی-روانی، عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی و عوامل مدیریتی دسته‌بندی می‌شود. نتیجه اینکه در بین عوامل فردی، تأثیرگذارترین شاخص‌ها به ترتیب اوقات فراغت، سالم بودن به لحاظ جسمی و میزان تحصیلات است. در بین عوامل روحی-روانی،

تأثیرگذارترین شاخص‌ها به ترتیب میزان استرس و فشارهای روانی، روابط عمومی و امید به آینده است. در بین عوامل اجتماعی، تأثیرگذارترین شاخص‌ها به ترتیب تعلق مکانی، احساس محرومیت و عضویت در NGO ها است. در بین عوامل اقتصادی، تأثیرگذارترین شاخص‌ها به ترتیب سودآورد بودن فعالیت‌های مشارکتی به لحاظ اقتصادی، ثبات درآمد و ارزش املاک است. در نهایت، در بین عوامل مدیریتی، تأثیرگذارترین شاخص‌ها به ترتیب اعتماد نهادی (اعتماد بین مردم و مسئولان)، اجتماع محور بودن رویکرد مدیریت شهری و میزان رضایت شهروندان از خدمات شهری است. همچنین در رتبه‌بندی کلی عوامل تأثیرگذار بر مشارکت شهروندان در فرایند مدیریت شهری، عوامل اجتماعی در رتبه اول، عوامل اقتصادی در رتبه دوم، عوامل روحی- روانی در رتبه سوم، عوامل مدیریتی در رتبه چهارم و عوامل فردی در رتبه پنجم قرار دارند.

۶. پیشنهادها

در نهایت، با توجه به مطالعات انجام گرفته و یافته‌های به دست آمده، برای افزایش مشارکت شهروندان در مدیریت شهری پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- استفاده بهینه و حداکثری از اوقات فراغت مردم توسط مدیران شهری با برگزاری جلسات هم‌اندیشی و همچنین برگزاری کلاس‌های آموزشی با رویکرد یادگیری دسته‌جمعی.
 - تقویت عوامل تأثیرگذار در ایجاد تعلق مکانی در سطح محلات شهری؛ برای مثال تعیین مکان‌هایی به عنوان پاتوق محله، یا با تقویت مؤلفه‌های هویت جمعی مانند مساجد، میادین، نمادها و
 - آمایش بهینه امکانات و کاربری‌های مورد نیاز در سطح مناطق؛ به طوری که بتواند از احساس محرومیت بکاهد.
 - کاستن از استرس‌ها و فشارهای روانی تا جایی که مربوط به مدیریت شهری می‌شود؛ مانند خدمات‌رسانی مطلوب به شهروندان، کاهش بار ترافیکی، کاهش انواع آلودگی و
 - تقویت فرهنگ امید و نگاه مثبت به آینده با استفاده از تبلیغات هدفمند و برنامه‌های فرهنگی و آموزشی.
 - تقویت کمی و کیفی سازمان‌های مردم‌نهاد NGO با بسط هر چه بیشتر فضاهای عمومی و مؤلفه‌های جامعه مدنی.
 - توجیه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی برنامه‌ها و طرح‌های شهری از طریق اطلاع‌رسانی و پنل‌های مشارکتی بحث و گفت‌وگو در سطح محلات.
- تقویت اعتماد مردم به مدیران شهری از طریق تقویت مؤلفه‌های حکمروایی خوب شهری مانند شفافیت، پاسخ‌گویی و اجتماع محور بودن و

منابع

- ایکاف، راسل؛ (۱۳۷۵). برنامه‌ریزی تعاملی، مدیریت هماهنگ تحول برای ساختن آینده سازمان، ترجمه سهراب خلیلی شورینی، انتشارات کتاب ماد (وابسته به نشر مرکز).
- تقوایی، مسعود؛ بابا نسب، رسول؛ موسوی، چمران؛ (۱۳۸۸). تحلیلی بر سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر تبریز، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال اول، شماره دوم.
- توکلی‌نیا، جمیله؛ استادی‌اسیسی، منصور؛ (۱۳۸۸). تحلیل پایداری محله‌های کلان‌شهر تهران با تأکید بر عملکرد شورایی‌ها نمونه موردی: محله‌های اوین، درکه و ولنجک، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۰.
- حاجی پور، خلیل؛ (۱۳۸۵). برنامه‌ریزی محله مینا، رویکردی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶.
- ربانی، رسول؛ آرآنچولام، دارما؛ عباس‌زاده، محمد؛ قاسمی، وحید؛ (۱۳۸۶). بررسی تأثیر رفاه اقتصادی و اجتماعی بر مشارکت شهروندان در امور شهری، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال چهارم.
- رنه شورت، جان؛ (۱۳۸۸). نظریه شهری ارزیابی انتقادی، ترجمه کرامت‌الله زیاری، حافظ مهدنژاد و فریاد پرهیز، انتشارات دانشگاه تهران.
- زیاری، کرامت‌الله؛ زندوی، سیدمجدالدین؛ آقاجانی، محمد؛ مقدم، محمد؛ (۱۳۸۸). بررسی مشارکت شهروندی و نقش آن در مدیریت شهری در شهرهای کوچک، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، شماره ۱۳.
- شریف‌زاده، فتاح؛ صدقی، جواد؛ (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر، دوفصلنامه علمی- ترویجی مطالعات مدیریت، سال ۱۹، شماره ۵۹.
- طوسی، محمدعلی؛ (۱۳۷۰). مشارکت (در مدیریت و مالکیت)، مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران.
- عباس‌زاده، محمد؛ (۱۳۸۸) بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهر (مطالعه موردی: شهر اصفهان)، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
- محسنی تبریزی، علیرضا؛ (۱۳۷۵). بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی، نامه پژوهش، سال اول، شماره ۱.
- محسنی، رضاعلی؛ (۱۳۸۳). جنبه‌های اجتماعی مدیریت کلان‌شهرها با تأکید بر مشارکت شهروندان، فصلنامه مدیریت فردا.
- خراسانی، محمد؛ نوغانی، محسن؛ خلیفه، محمدرضا؛ (۱۳۹۱). بررسی میزان مشارکت اجتماعی مردم در شهر مرودشت و عوامل مؤثر بر آن در سال ۱۳۸۸، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست‌وسوم، شماره پیاپی ۴۵.
- موسایی، میثم؛ رضوی‌الهام، بهزاد؛ (۱۳۸۹). بررسی مشارکت شهروندان در امور شهری، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۱.
- موسوی، میرطاهر؛ (۱۳۸۴). تحلیل مشارکت اجتماعی در تهران (رویکرد خرده فرهنگ دهقانی راجرز)، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۹.
- نجاتی حسینی، سیدمحمود؛ (۱۳۸۰). بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری ایران، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، چاپ اول.
- نوروزی، فیض‌الله؛ بختیاری، مهناز؛ (۱۳۸۸). مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۳.
- یزدان پناه، لیلا؛ (۱۳۸۶). موانع مشارکت شهروندان تهرانی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶.

- Arnersterins (2006). ladder of citizen participation, journal of planning association.
- Ekstrom, Henrik; Dahlin Ivanoff; Elmstahl, Solve; (2007). Restriction in social participation and lower life satisfaction among fractured in pain Results from the population study “Good Aging in Skane”, Since Direct (Archives of Gerontology and Geriatrics), pp.1- 16.
- Howard, Patricia B.; Kay Rayens, Mary.; El-Mallakh, Peggy.; Clark, James J.; (2007). Predictors of Satisfaction Among Adult Recipients of Medicaid Mental Health Services_ Since Direct (Archives of Gerontology and Geriatrics), pp.257-269.
- Friedman, J.; (1993). Toward anon euclidion mode of planning. APA journal, Autumn, 43-44
- Lee, Eunjung; (2006). A social resource model of political participation: Mass media use, social and capital.
- Marshal, Melissaj; (2004). Citizen Participation and the neighborhood Context: A New at the Co production of Local Public Goods, Political Research Quarterly, Vol.57,No.2,PP.231-244.
- Mutz, Diana C.; (2005). Social Trust and E- Commerce: Experimental evidence for Social trust in Individuals, Economic Behavior, Public Opinion Quarterly, Vol.69,No.3,pp. 393-416.
- Ortega, Alvarez R.; MacGregot –Fors I.; (2011). Dsting-off the file: A review of knowledge on urban ornithology in Latin America, Journal of landscape and Urban Planning1-10.
- Smith, Ronald S.; (2006). Discerning differences in social capital: The significance of interpersonal networks and neighborhood association structure of citizen participation (Dissertation), Indiana university.
- Rebori, Marlene K.; (2005). The effectiveness of citizen participation in local governance: A ase study of citizen advisory boards (Dissertation), university of Novada.
- UNVHS (Habitat), (1996). The role of community participator in Human settlements work, Nairobi.
- UN Habitat, (2009). http://www.unhabitat.org/downloads/docs/GRHS2009_Abridged.p.f.